



دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد برنامه-ریزی درسی

مقایسه فرهنگ دانشگاهی (با تأکید بر فرهنگ آموزش و یادگیری) دو نسل اعضای هیأت علمی

استاد راهنما

دکتر محسن آیتی

استاد مشاور

دکتر نعمت‌ا... فاضلی

نگارنده

صدیقه خوش‌دامن

مهر ۱۳۹۱

## چکیده

نگاه فرهنگی به مطالعات آموزش عالی از جمله منظره‌هایی است که اخیراً مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته، و موجب تولد فصل جدیدی از مطالعات بر محور «فرهنگ دانشگاهی» گردیده است. فرهنگ آموزش و یادگیری، وجهی از این مطالعات محسوب می‌شود که فرهنگ جاری در آموزش عالی را از منظر باورها و اعتقادات اعضای هیأت علمی به فرایند یاددهی - یادگیری مورد شناسایی قرار می‌دهد. ماهیت آموزشی فرهنگ با در نظر داشتن ارتباط متقابل فرهنگ و آموزش موجب می‌شود، فرهنگ بتواند در بستر زمان حرکت کند و از نسلی به نسل بعد منتقل شود. در جریان این انتقال و در بستر حرکت‌های فرهنگی ممکن است ارزش‌ها و هنجارها دستخوش تغییر و تحول شوند و موجب تفاوت بین نسل‌ها گردند به گونه‌ای که سخن از تحولات بین نسلی به میان بیاید. بدین ترتیب مطالعه‌ی فرهنگ آموزش و یادگیری در بین دو نسل اعضای هیأت علمی دانشگاه توجیه پذیر و بلکه ضرورت می‌یابد. لذا، پژوهش حاضر قصد دارد فرهنگ آموزش و یادگیری را در دو نسل اعضای هیأت علمی مورد شناسایی و تحلیل قرار دهد. در راستای شناسایی فرهنگ مذکور، این پرسش مطرح می‌شود. آیا تفاوتی بین نسل‌های قدیم و جدید اعضای هیأت علمی در فرهنگ آموزش و یادگیری وجود دارد یا خیر؟ در این راستا، با استفاده از رویکرد کیفی (روش مردم نگاری) و بر اساس نمونه گیری هدفمند، ادراکات ۲۶ نفر از اعضای هیأت علمی دو نسل شناسایی شد. داده‌ها از طریق ابزار مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته جمع آوری گردید و با استفاده از روش کد گذاری مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد اعضای هیأت علمی دو نسل درباره اهداف آموزش، شیوه آموزش، نقش استاد و برداشت از دانشجو اعتقادات و ادراکات خاصی دارند و فرهنگ آموزش و یادگیری میان دو نسل دارای تشابهات و تمایزات خاصی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، فرهنگ دانشگاهی، فرهنگ آموزش و یادگیری، مردم نگاری

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱	مقدمه	۲
۲-۱	بیان مسأله	۳
۳-۱	اهمیت و ضرورت پژوهش	۸
۴-۱	اهداف پژوهش	۹
۴-۱-۱	اهداف کلی پژوهش	۹
۴-۱-۲	اهداف جزئی	۹
۵-۱	سؤال‌های پژوهش	۹
۶-۱	تعریف واژه‌ها و اصطلاحات	۱۰
۶-۱-۱	فرهنگ	۱۰
۶-۱-۲	فرهنگ دانشگاهی	۱۰
۶-۱-۳	مردم‌نگاری	۱۰
۶-۱-۴	فرهنگ آموزش و یادگیری	۱۰

### فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲	مقدمه	۱۳
۲-۲	دانشگاه و آموزش عالی	۱۳
۳-۲	رویکرد فرهنگی به دانشگاه	۱۷
۴-۲	فرهنگ	۲۱
۵-۲	فرهنگ دانشگاهی	۲۳
۶-۲	انسان دانشگاهی	۲۶
۷-۲	جامعه‌پذیری دانشگاهی	۳۰
۸-۲	رویکردهای مطالعه فرهنگ در دانشگاه	۳۲
۹-۲	فرهنگ آموزش و یادگیری	۳۶

۳۹.....	۱۰-۲ پیشینه پژوهش
۴۰.....	۱۰-۱-۲ پیشینه عام پژوهش
۴۴.....	۱۰-۲-۲ پیشینه خاص پژوهش

### فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۵۳.....	۱-۳ مقدمه
۵۴.....	۲-۳ تاریخچه مردم نگاری
۵۵.....	۳-۳ تعریف مردم نگاری
۵۸.....	۴-۳ فرآیند تحقیق مردم نگاری
۵۹.....	۱-۴-۳ مرحله اول روش مردم نگاری: شناسایی پدیده مورد مشاهده
۵۹.....	۲-۴-۳ مرحله دوم روش مردم نگاری: تعیین آزمودنی
۵۹.....	۱-۲-۴-۳ جامعه و نمونه
۶۱.....	۳-۴-۳ مرحله سوم روش مردم نگاری: تدوین سؤالات و فرضیات
۶۲.....	۱-۳-۴-۳ ابزار پژوهش
۶۵.....	۴-۴-۳ مرحله چهارم روش مردم نگاری: جمع آوری اطلاعات
۶۷.....	۱-۴-۴-۳ مصاحبه
۶۸.....	۲-۴-۴-۳ روش های زمینه نویسی (یادداشت برداری)
۶۹.....	۵-۴-۳ مرحله پنجم روش مردم نگاری: تجزیه و تحلیل
۷۱.....	۶-۴-۳ مرحله ششم روش مردم نگاری: استخراج نتایج
۷۱.....	۷-۴-۳ قابلیت اعتماد و اعتبار پژوهش های کیفی

### فصل چهارم: ارائه یافته ها، بحث و نتیجه گیری

۷۷.....	۴ - ۱ مقدمه
۷۷.....	۴ - ۲ سؤال اول
۹۳.....	۴-۳ سوالات شماره سوم، چهارم و هشتم
۹۸.....	۴-۳-۱ فعالیت های قبل از تدریس

۹۸.....	۱-۳-۴ طرح درس
۱۰۳.....	۲-۳-۴ فعالیت ضمن تدریس
۱۰۳.....	۱-۲-۳-۴ روش تدریس
۱۰۷.....	۱-۲-۳-۴ مدیریت کلاس درس
۱۱۱.....	۲-۲-۳-۴ استفاده و کاربرد رسانه‌های آموزشی:
۱۱۵.....	۳-۳-۴ فعالیت بعد از تدریس (ارزشیابی):
۱۱۶.....	۴-۴ سوالات شماره دوم و پنجم
۱۱۷.....	۱-۴-۴ وظایف استاد
۱۲۱.....	۲-۴-۴ روابط استاد - دانشجو
۱۲۱.....	۱-۲-۴-۴ روابط رسمی و غیر رسمی
۱۲۵.....	۲-۲-۳-۴ تبیین حد و مرز روابط استاد - دانشجو
۱۲۷.....	۳-۲-۴-۴ استاد به عنوان الگوی رفتار دانشجو
۱۳۰.....	۵-۴ سوالات شماره شش و هفت
۱۳۳.....	۶-۴ نتیجه گیری
۱۳۶.....	۷-۴ پیشنهادات پژوهش
۱۳۶.....	۱-۷-۴ پیشنهادات پژوهشی
۱۳۷.....	۲-۴-۴ پیشنهادات کاربردی
۱۳۷.....	۸-۴ محدودیت‌های پژوهش

### فهرست منابع

۱۳۸.....	منابع فارسی
۱۴۴.....	منابع انگلیسی

## فهرست جداول

- جدول شماره ۱-۴ کد گذاری‌های باز، محوری، تعداد مفاهیم و فراوانی کدهای "اهداف آموزش" ..... ۸۵
- جدول شماره ۲-۴ کد گذاری‌های باز محوری، تعداد مفاهیم و فراوانی کدهای "شیوه آموزش" ..... ۱۱۳
- جدول شماره ۳-۴ کد گذاری‌های باز محوری، تعداد مفاهیم و فراوانی کدهای "شیوه آموزش" نقش استاد" ..... ۱۲۹

# فصل اول

## کلیات پژوهش

## ۱-۱ مقدمه

نهاد آموزش عالی با جریان‌های ضد و نقیضی در جهان امروز روبروست. چنان که به اعتقاد صاحب نظران این حوزه، آموزش عالی دچار وضعیت فوق پیچیدگی<sup>۱</sup> است. این جریان‌ها، ادراک و احساس ما را نسبت به وضع کنونی دانشگاه و آینده آن با ابهام، پیچیدگی و دوگانگی شدید روبرو کرده است و احساس دوگانگی بیم و امیدی نسبت به تحولات آموزش عالی در سطح جهان به وجود آورده است. مجموعه این تناقضات، تردیدها و پرسش‌های بسیار دیگر، باعث شده است که امروزه بسیاری از صاحب‌نظران از بحران آموزش عالی<sup>۲</sup> در جهان سخن بگویند و تجزیه و تحلیل و شناخت ابعاد وسیع این بحران را در کانون توجه گفتمان مطالعات آموزش عالی قرار دهند. مروری بر این مطالعات نشان می‌دهد بحران آموزش عالی بیش از آن که ناشی از واقعیت‌های بد و ناگوار در این نهاد باشد، به نحوه فهم ما از فرایند انتقال<sup>۳</sup> آموزش عالی به مرحله‌ی تازه‌ای در تاریخ حیات خود و تلاش آن برای سازگار شدن با مجموعه فرایندهای اجتماعی جدید جهان مرتبط است (فاضلی، ۱۳۸۷).

امضای پیمان بولونا<sup>۴</sup> در اواخر قرن نوزدهم توسط بیست و نه کشور اروپایی آغازی بر فصل جدید گفتمان مطالعات آموزش عالی است که انعکاسی جهانی به همراه داشت. در این پیمان تمرکز بر چند گفتمان در مطالعات آموزش عالی به رسمیت شمرده شد که عبارت بودند از:

۱- گفتمان رشته‌ای<sup>۵</sup>

۲- گفتمان حرفه‌ای<sup>۶</sup>

۳- گفتمان اخلاقی - حرفه‌ای<sup>۷</sup>

۴- گفتمان بین رشته‌ای<sup>۸</sup>

۵- گفتمان بین‌المللی<sup>۹</sup>

۶- گفتمان بین فرهنگی<sup>۱۰</sup>

در میان آن‌ها گفتمان رشته‌ای و حرفه‌ای، دو بحث سنتی در آموزش عالی محسوب می‌شوند. گفتمان اخلاقی - حرفه‌ای، به عنوان مکمل گفتمان حرفه‌ای در دنیای امروز برای توجه به اخلاق حرفه‌ای مطرح شد. گفتمان بین رشته‌ای نیز به جهت برطرف کردن نیاز امروز دانشگاه‌ها در بحث در حال توسعه‌ی بین رشته‌ای برای پاسخی به شعبه شعبه شدن دانش و از سوی دیگر کمرنگ شدن مرزهای دانش مطرح شد. گفتمان بین‌المللی نیز پاسخی به بحث جهانی شدن و برداشته شدن مرزهای بین جوامع گوناگون به دلیل توسعه‌ی تکنولوژی مطرح شد. دو گفتمان اخیر، خود موجب طرح چالش دیگری شد که بحث گفتمان بین فرهنگی را به میان آورد و آن مسئله ماهیت فرهنگی و بومی در قبال بحث‌های از میان رفتن مرزها به

1 Super complexity

2 The crisis of higher education

3 Transformation

4 Bologna declaration

5 Disciplinary discourse

6 Professional discourse

7 Normative professional discourse

8 Interdisciplinary discourse

9 International discourse

10 Intercultural discourse



دلیل تحولات جدید جامعه جهانی بود. سه گفتمان اخیر آموزش عالی یعنی گفتمان بین‌المللی، گفتمان بین رشته‌ای و گفتمان بین‌فرهنگی موجب شد تا مطالعات فرهنگی با مطالعات آموزش عالی بیش از پیش پیوند بخورد (کارست، ۲۰۰۵، نقل در خاکباز، ۱۳۸۹).

لذا می‌توان ادعا نمود که بحث ارتباط فرهنگ و آموزش عالی جزو حوزه‌های با اهمیت محسوب می‌شود که متأسفانه به دلیل توسعه نیافتگی سازمانی دانش برنامه درسی آموزش عالی، هنوز مورد عنایت پژوهشگران قرار نگرفته است. از سوی دیگر به دلیل پیچیدگی ماهیت مطالعات آموزش عالی و نیز پیچیدگی غیر قابل انکار مطالعات فرهنگی، بررسی فرهنگ در بستر آموزش عالی جزء مباحث فوق پیچیده محسوب می‌شود که اگر به درستی جوانب آن مشخص نشود و ابزار لازم برای بررسی آن در دسترس نباشد، موجب سر درگمی خواهد شد. مطالعات فرهنگ دانشگاهی به دلیل تأثیرات متقابل کنشگران، اعم از استادان دانشجویان، مدیران و کارکنان و کارکردهای دانشگاه، اعم از پژوهش، آموزش، خدمات و کارآفرینی، خود دارای انواع مختلفی است (صباغیان، ۱۳۸۸). با توجه به تنوع مورد نظر در این زمینه، انجام پژوهش‌هایی پیرامون فرهنگ دانشگاهی ضروری می‌نماید. لذا، پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی فرهنگ "آموزش و یادگیری" به عنوان یکی از جلوه‌های فرهنگ دانشگاهی در این زمینه بپردازد تا برخی از باورها، ارزش‌ها و اعتقادات موجود در این زمینه را روشن نماید.

## ۱-۲ بیان مسأله

جوامع و گروه‌های مختلف اجتماعی آداب و رسوم، عقاید، افکار، ارزش‌ها و شیوه‌های خاصی از زندگی دارند که اصطلاحاً فرهنگ<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. اندیشمندان مختلف برای واژه فرهنگ تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند. اما یکی از اولین تعاریف تقریباً جامع در سال ۱۸۷۱ توسط تیلور<sup>۲</sup> بیان گردید. او اعتقاد داشت فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و اعتقادات، آداب و رسوم و سنت‌ها و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه اخذ می‌کند و از نسلی به نسل بعد انتقال می‌دهد (تقوی، ۱۳۸۵).

هر سازمانی فرهنگ خاص خود را دارد به گونه‌ای که این فرهنگ می‌تواند در شکل دادن به نگرش‌ها و رفتار اعضای سازمان اثرات مثبت و منفی داشته باشد. دانشگاه به عنوان یکی از اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین مراکز تربیت انسانی همچون دیگر سازمان‌ها دارای فرهنگ خاص خود است (احمدی و دیگران، ۱۳۸۹). فرهنگ حاکم بر دانشگاه موجب می‌شود رابطه بین اهالی جامعه علمی صرفاً یک رابطه ذهنی و فنی نباشد بلکه نوعی رابطه نمادین، هنجاری، وجودی و ارتباطی باشد که موجب شکل‌گیری سنت‌های معناداری می‌شود، سنت‌هایی که ریشه در حس‌های مشترک و الگوهای زیست شده تعاملی دارند و فرهنگ دانشگاهی<sup>۳</sup> را بوجود می‌آورند (فراستخواه، ۱۳۸۸).

1 Culture

2 Taylor

3 Academic culture

فرهنگ دانشگاهی را با تأکید بر دو بعد، سازمانی و انسان شناختی می‌توان تعریف کرد: در نگاه سازمانی فرهنگ دانشگاهی سیستمی از باورها و ارزش‌های مشترک است که داخل دانشگاه گسترش می‌یابد و رفتار دانشجویان، کارکنان، اعضای هیأت علمی و مدیران را هدایت می‌کند. در واقع فرهنگ دانشگاهی، استنباط مشترکی است که اعضای دانشگاه نسبت به سازمان خود دارند (صباغیان، ۱۳۸۸). نکته قابل توجه در این دیدگاه این است که جنبه عاطفی، احساسی و ارتباطی کنش انسان دانشگاهی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اما از منظر انسان شناختی فرهنگ دانشگاهی الگوی معانی نهفته در صور نمادین، کنش‌ها، گفته‌ها و تمامی مقوله‌های معناداری است که افراد دانشگاهی به کمک آن با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در تجارب، دریافت‌ها و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می‌شوند. شیوه عمل، احساس و اندیشه انسان دانشگاهی یکی از مهمترین جنبه‌هایی است که در این نوع نگاه به فرهنگ دانشگاهی مورد توجه قرار می‌گیرد و موجب شکل‌گیری نوعی هویت دانشگاهی<sup>۱</sup> می‌گردد (فاضلی، ۱۳۸۲).

از این‌رو مهم‌ترین وجه فرهنگ دانشگاهی، کارکرد آن در هویت‌سازی است. جایگاه و نقش فرد و عضو اجتماع دانشگاهی در فرایندها و فعالیت‌های دانشگاهی، آموزشی و پرورشی، توسط فرهنگ دانشگاهی معین می‌شود و عملاً فرد نمی‌تواند از مرزها و استانداردهای فرهنگ رشته‌ای، سازمانی، نهادی و گفتمانی علمی و دانشگاهی جامعه خاص خود سرپیچی و تخطی کند. به همین دلیل است که علی‌رغم وجود استعدادهای فراوان در همه جوامع، تنها جوامعی که زمینه فرهنگی و فرهنگ دانشگاهی مناسب داشته‌اند به توسعه علمی دست یافته‌اند (فاضلی، ۱۳۸۷).

شناخت فرهنگ دانشگاهی موجب درک نقش فرهنگ در بهبود عملکرد دانشگاه و عدم توانایی در شناخت آن سبب بروز چالش‌های فراوانی در آموزش عالی شده است (یمینی، ۱۳۸۸). بررسی فرهنگ دانشگاهی اعضای دانشگاه را قادر می‌سازد تا موانع اساسی موجود بر سر راه بقاء و سازگاری دانشگاه را از درون مرتفع سازند و به حفظ، تقویت و تکوین فرایندهای درونی بپردازند و در نهایت سبب تحکیم سازگاری و تداوم حیات دانشگاه شوند. از این‌رو توانایی درک فرهنگ دانشگاهی امری حساس است (صباغیان، ۱۳۸۸). فرهنگ دانشگاهی از عوامل مؤثر بر چگونگی توسعه علمی در هر جامعه‌ای است، یعنی بین چگونگی و مختصات فرهنگ دانشگاهی و تولیدات علمی رابطه وجود دارد (فاضلی، ۱۳۸۲).

فرهنگ دانشگاهی دارای مؤلفه‌ها و زیر فرهنگ‌هایی است که می‌توان آن‌ها را نیز از دو بعد انسان شناختی و سازمانی بررسی کرد. از منظر انسان شناختی از آن‌جا که فرهنگ دانشگاهی موجب ایجاد نوعی هویت برای انسان دانشگاهی می‌شود، این دیدگاه هویت انسان دانشگاهی را با توجه به فرهنگ رشته‌ای حرفه‌ای، مؤسسه‌ای و ملی مورد بررسی قرار می‌دهد. از سوی دیگر در دیدگاه سازمانی زیر فرهنگ‌های فرهنگ دانشگاهی دارای چندین تقسیم بندی می‌باشد. در یکی از این تقسیم بندی‌ها زیر فرهنگ‌ها شامل ۱- فرهنگ رشته‌ای ۲- فرهنگ دانشکده‌ای و ۳- فرهنگ نهادی می‌باشد (آستین، ۱۹۹۶، نقل در خاکباز ۱۳۸۹). در تقسیم بندی دیگر برای بررسی و تجزیه و تحلیل فرهنگ دانشگاهی از دو رویکرد استفاده شده است: ۱- رویکرد انسانی که شامل: الف) فرهنگ دانشجویی ب) فرهنگ اعضای هیأت علمی ج) فرهنگ کارکنان د) فرهنگ مدیران می‌باشد. ۲- رویکرد مربوط به کارکردهای دانشگاه که شامل: الف) فرهنگ

<sup>۱</sup> academic Identity

آموزشی ب) فرهنگ پژوهشی ج) فرهنگ خدماتی د) فرهنگ کارآفرینی است. (صباغیان، ۱۳۸۸). از این رو برای بررسی فرهنگ دانشگاهی نه تنها به ساختار، قوانین و کارکردهای دانشگاه باید توجه نمود بلکه باید نقش آفرینان آن را هم در نظر داشت. به عبارت دیگر رویکردهای فوق را نمی‌توان به طور مجزا برای بررسی فرهنگ دانشگاهی مد نظر قرار داد.

همانطور که ذکر شد یکی از زیر فرهنگ‌های فرهنگ دانشگاهی از بعد سازمانی و از منظر رویکرد مربوط به کارکردهای دانشگاه، فرهنگ آموزش و یادگیری می‌باشد. فرهنگ آموزش و یادگیری شامل باورها نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهایی است که در مورد آموزش و یادگیری وجود دارد و دارای ابعاد متعددی است که برخی از آن‌ها مربوط به هدف آموزش (یادگیری مادام‌العمر / تقویت نگرش نمره‌گرایی)، موقعیت آموزش (پژوهش محور / آموزش محور)، محور آموزش (استاد محور/ دانشجو محور) تلقی از علم و آموزش (ستایش گرایانه / توسعه طلبانه، مدرک سالاری / مدرک گرایی، فرایند و امری تعاملی / مقوله‌ای شناختی و نوعی محصول)، روش آموزش (مشارکتی / غیر مشارکتی، یادگیری منفعل، ایستا و اقتدار گرایانه / یادگیری فعال، باز اندیشانه، تفکر انتقادی و آموزش خلاقیت/ یادگیری طوطی وار و حفظ کردن)، نقش استاد (روابط اقتدار گرایانه بین استاد و دانشجو / استاد به عنوان تسهیل کننده دانش) شیوه‌ها و اسلوب فکری دانشجویان (عدم اعتماد به نفس در بیان عقاید، ضعف روحیه همکاری، ضعف روحیه پرسشگری، فقدان انگیزه دانشجویان برای تلاش و سخت کوشی در راه علم) می‌باشد (سرابی و اسماعیلی، ۱۳۸۸).

شناخت زمینه فرهنگی آموزش و یادگیری یکی از اساسی‌ترین ملزومات مدیریت و برنامه‌ریزی فرایند آموزش و یادگیری اثربخش است. به گفته برونر<sup>۱</sup> بهبود اثربخش و مستمر آموزش و غنی‌سازی یادگیری، جز با فهم ما از چگونگی آموزش و یادگیری در موقعیت‌های فرهنگی فراهم نمی‌شود. آموزش و یادگیری در فرایندی از مناسبات اجتماعی پیچیده که تجلی باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و کیفیت رفتار انسان‌هاست، شکل می‌گیرد. بنابراین کیفیت فرایند آموزش و یادگیری به قابلیت فرهنگ‌های یادگیری و کیفیت تقاضای اجتماعی برای آموزش وابسته است (سرکارآرانی، ۱۳۸۹). از این رو ارتباط فرهنگ و آموزش یک ارتباط دو سویه است زیرا، اولاً ماهیت فرهنگ ایجاب می‌کند که قابل یاددهی – یادگیری باشد و ثانیاً ماهیت آموزش ایجاب می‌کند که فعالیتی فرهنگی محسوب شود (خاکباز، ۱۳۸۹). به این معنا که فعالیت‌های آموزشی همواره در درون یک زمینه فرهنگی<sup>۲</sup> یا نظام معنایی<sup>۳</sup> متشکل از باورها، ارزش‌ها، جهان بینی، هنجارها و آداب و رسوم صورت می‌گیرند و در عین حال آموزش دارای پیامدهایی گوناگون برای فرهنگ است زیرا فرهنگ امری است که از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌یابی، از نسلی به نسل بعد آموزش داده می‌شود. اکتسابی بودن فرهنگ، آن را به امری آموزشی تبدیل می‌کند و از این راه پیوندی ناگسستنی بین آموزش و فرهنگ ایجاد می‌شود (فاضلی، ۱۳۹۰). ماهیت آموزشی فرهنگ موجب می‌شود فرهنگ بتواند در بستر زمان حرکت کند و از نسلی به نسل بعد منتقل شود. در جریان این انتقال و در بستر حرکت‌های فرهنگی، ممکن است ارزش‌ها و هنجارها دستخوش تغییر و تحول شوند و موجب تفاوت بین نسل‌ها گردند به گونه‌ای که سخن از تحولات بین نسلی به میان بیاید.

<sup>۱</sup> Bruner

<sup>۲</sup> Cultural ground

<sup>۳</sup> Meaning system

تحولات نسلی را می‌توان شامل دو رویکرد متفاوت دانست:

- رویکرد اول بر تعامل نسلی تأکید دارد. این دیدگاه معتقد است ارزش‌های جوانان بی شباهت با ارزش‌های بزرگسالان نیست. در این رویکرد ستیز بین نسلی ناشی از وسایل بکار گرفته شده برای تحقق ارزش‌های پذیرفته شده و مشابه با ارزش‌های بزرگسالان است و نه پذیرش ارزش‌های متفاوت با آن‌ها (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).

- رویکرد دوم بر اختلاف و تفاوت بین نسل‌ها تأکید دارد. طبق این رویکرد می‌توان شدت تفاوت و تعارض نسل‌ها را از سه منظر مورد بررسی قرار داد: الف) تعارض نسلی<sup>۱</sup>: بر این اساس تفاوت بین نسلی به سمت و سوی تعارض و تضاد نسلی پیش می‌رود به گونه‌ای که اعضای جامعه، هویت خود را در تعارض با گذشتگان خود می‌بینند. ب) شکاف نسلی<sup>۲</sup>: طبق این دیدگاه افراد به رغم تجربیات متفاوت، در یک کلیت اجتماعی، با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. ج) انقطاع یا گسیختگی نسلی<sup>۳</sup>: عبارتند از: اختلاف در ارزش‌ها و هنجارها و نگرش‌ها که موجب جدایی نسل قدیم و طغیان نسل جدید در برابر نسل قدیم می‌شود. انقطاع نسلی به معنای بریدگی و فاصله افتادن کامل میان دو نسل است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).

فرهنگ دانشگاهی در ایران به عنوان یک حوزه مطالعاتی و پژوهشی نادیده انگاشته شده و موجب گردیده پژوهشگران به پژوهش‌ها و مطالعات انگشت شماری در این زمینه دسترسی داشته باشند. برخی از این پژوهش‌ها (رفیع پور، ۱۳۸۱، قاضی طباطبایی، ۱۳۷۸، طائفی، ۱۳۷۸) به بررسی فرهنگ دانشگاهی و نقش و تأثیر آن در روند توسعه علمی پرداخته‌اند و با نگرشی انتقادی مشکل فرهنگ دانشگاهی در نظام آموزش عالی کشور را نشان می‌دهند. دسته‌ای از پژوهش‌ها (فراستخواه، ۱۳۸۸) به بررسی فرهنگ دانشگاهی و نقش و تأثیر آن در ایجاد هویت دانشگاهی پرداخته‌اند و در نهایت به مسئله آمیز بودن زمینه‌های فرهنگ دانشگاهی و فرهنگ اجتماع علمی اشاره کرده‌اند. «در واقع پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه فرهنگ دانشگاهی ایران نشان از ناکارآمدی و ضعف این فرهنگ در نظام آموزش عالی دارد» (فاضلی، ۱۳۸۲).

اگر حوزه پژوهشی در زمینه فرهنگ دانشگاهی از منظر فرهنگ آموزش و یادگیری بررسی شود باید گفت: در مورد فرهنگ آموزش و یادگیری در نظام آموزش عالی ایران اطلاعات چندانی در دست نیست و از محدود شواهد موجود در این زمینه، مطالعات تطبیقی مقایسه فرهنگ آموزش و یادگیری ایران و ژاپن (سرکارآرانی، ۱۳۸۹) و فرهنگ آموزش و یادگیری ایران و بریتانیا (فاضلی، ۱۳۸۲) می‌باشد. مطالعه تطبیقی فرهنگ آموزش و یادگیری ایران و ژاپن نشان می‌دهد فرهنگ آموزش و یادگیری در ژاپن بیشتر بر همکاری مشارکت و فعالیت گروهی تأکید دارد و هدف اصلی آموزش استقلال و خودراهبری یادگیرندگان در فرایند تحصیل است و توجه به کسب مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی از اهمیت بالایی برخوردار است. در ایران یادگیری طوطی‌وار و حفظ کردن، عدم تمایل برای مشارکت در مباحثه جدی و انتقادی در کلاس‌ها و سمینارها، بی‌میلی برای طرح پرسش‌ها و دیدگاه‌های شخصی، گریز از مشارکت عمیق در فرایند آموزش و مترادف بودن نقش معلم با انتقال دانش بخشی از فرهنگ آموزش و یادگیری است (سرکارآرانی، ۱۳۸۹).

<sup>۱</sup> Generation conflict

<sup>۲</sup> Generation gap

<sup>۳</sup> Generation discontinuity

مطالعه تطبیقی فرهنگ آموزش و یادگیری ایران و بریتانیا نیز نشان می‌دهد تفاوت‌های آشکاری بین فرهنگ آموزشی این دو کشور وجود دارد به گونه‌ای که فرهنگ آموزش و یادگیری در ایران واجد ویژگی‌های به شرح زیر است.

- ۱- فرآیند آموزش، استاد محور<sup>۱</sup>
- ۲- آموزش و پرورش دولت / نخبه محور<sup>۲</sup>
- ۳- آموزش جامعه محور<sup>۳</sup> است و رشته‌ها و دوره‌ها بر مبنای برنامه‌ریزی به متمرکز دولت و نخبگان به شیوه مکانیکی و بالا به پایین تعیین می‌شوند.
- ۴- آموزش در ایران اقتدارگرایانه<sup>۴</sup>، غیرمشارکتی، تک صدایی<sup>۵</sup> و یادگیری منفعل<sup>۶</sup>، ایستا و غیربازتابی است.
- ۵- در نظام دانشگاهی ایران، دانشجو و علائق و فردیت او نقش ثانویه در آموزش دارند.
- ۶- در نظام معرفت شناختی دانشگاه ایرانی، علم نوعی محصول<sup>۷</sup> و مقوله‌ای شناختی<sup>۸</sup> تلقی می‌شود که می‌توان آن را مانند کالا وارد کرد و مانند کالا مبادله و مصرف نمود.
- ۷- تفکر علمی در ایران عمدتاً توصیفی و ستایش‌گرایانه<sup>۹</sup> است و آموزش عالی ایران کمتر اجازه رشد اندیشه انتقادی و تحلیلی را به عضو اجتماع علمی و دانشگاهی می‌دهد.
- ۸- در ایران تفکیک نهادی<sup>۱۰</sup> بین نهادهای سیاست، دولت، فرهنگ، آموزش و دانشگاه مشخص نیست (فاضلی، ۱۳۸۲).

البته پژوهش‌های صورت گرفته در کشورهای دیگر در حوزه «فرهنگ دانشگاهی» پر شمار به نظر می‌رسد (امیری و دیگران، ۱۳۸۹).

اگر حوزه پژوهش تنها به فرهنگ آموزش و یادگیری محدود شود یکی از شناخته شده‌ترین بررسی‌ها پژوهشی است که هافستید<sup>۱۱</sup> درباره فرهنگ آموزش و یادگیری در دانشگاه بریتانیا انجام داد. بر اساس مطالعه هافستید در جوامع فردگرایی چون بریتانیا پیش فرض آموزش این است که یادگیری هرگز به پایان نمی‌رسد. بر این اساس، در این نوع نظام آموزشی از دانشجو انتظار می‌رود به صورت مستقل و بدون اتکا به استاد و با توجه به نقطه نظر فردی خاص خودش خلاقیت و بداعت و نوآوری داشته باشد و این در حالی است که در جوامع جمع‌گرا موقعیت آموزش استاد محور است در کلاس درس نظم خشکی حاکم است و همه چیز باید با اجازه استاد باشد (هافستید، ۱۹۹۴، نقل در فاضلی، ۱۳۸۲).

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در زمینه فرهنگ آموزش و یادگیری می‌توان گفت که، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بسیار اندک است و تحقیق مستقیم و رسمی در زمینه فرهنگ آموزش

---

1 Teacher – centred

2 Elite/state focused

3 Public / society – focused

4 Authoriatining

5 Monologue

6 Passive learning

7Product

8 Cognitive

9Conserving

10 Institutional differentiation

11 Hofsted

و یادگیری در نظام آموزش عالی ایران وجود ندارد. بدین ترتیب مطالعه‌ی فرهنگ آموزش و یادگیری در بین اعضاء هیأت علمی دانشگاه توجیه‌پذیر و بلکه ضرورت می‌یابد. از سوی دیگر با توجه به ملاحظات تحولات بین نسلی که از آن سخن به میان آمد، این سؤال پیش رو قرار می‌گیرد که فرهنگ آموزش و یادگیری از منظر تحولات نسلی در ایران چه وضعیتی دارد و آیا تفاوتی بین نسل‌های باسابقه و تازه استخدام اعضاء هیأت علمی در فرهنگ آموزش و یادگیری وجود دارد یا خیر؟ و اگر چنین تفاوتی هست از چه نوعی است (تعارض نسلی، شکاف نسلی و یا گسیختگی نسلی) و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ سؤال اصلی این است که با توجه به تغییر و تحولات فرهنگ آیا فرهنگ آموزش و یادگیری بین دو نسل از اعضای هیأت علمی با یکدیگر تفاوت دارد؟ و آیا این تفاوت نشان از نوعی تحول در فرهنگ آموزش و یادگیری نظام آموزش عالی ایران دارد یا خیر؟

### ۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت پژوهش حاضر، گشودن منظری تازه در فضای دانشگاهی و تعلیم و تربیت برای نگرستن به فرایند یاددهی - یادگیری با در نظر داشتن بافت و زمینه‌ای است که، روند آموزش و یادگیری در آن جریان دارد. زیرا، آموزش و یادگیری مستلزم قرار گرفتن اساتید و دانشجویان و در کل سیستم یاددهی- یادگیری در دنیایی با زمینه‌های فرهنگی مناسب و مرتبط با زندگی است. اگر چه یادگیری در ذهن انجام می‌شود ولی ریشه در فرهنگی دارد که یادگیری از آن نشات می‌گیرد. در واقع زمینه فرهنگی یادگیری است که امکان ایجاد ارتباط بین عوامل مختلف فرایند آموزش و یادگیری را فراهم می‌کند. بنابراین شناخت زمینه فرهنگی آموزش و یادگیری یکی از اساسی‌ترین ملزومات آموزش و یادگیری اثربخش است به گونه‌ای که، بهبود مستمر آموزش و غنی‌سازی یادگیری به طور اثربخش جز با فهم ما از چگونگی آموزش و یادگیری در موقعیت فرهنگی خاص هر جامعه به طور اثر بخش میسر نمی‌شود. بر همین اساس، ارائه تبیینی جدید از ارتباط فرهنگ و آموزش و یادگیری و انجام پژوهش موردی در این خصوص تلاشی است که این پژوهش مد نظر خواهد داشت.

از سوی دیگر انتخاب مردم نگاری<sup>۱</sup> به عنوان روش پژوهش، شناخت ژرف از عوامل مؤثر بر آموزش و یادگیری را ممکن می‌سازد. این گونه روش‌های پژوهش در ده‌های گذشته در حوزه علوم اجتماعی و مطالعات بین رشته‌ای رایج بوده است. در حوزه تعلیم و تربیت این نوع پژوهش‌ها در ابتدا در مطالعات تطبیقی و در ارتباط با سایر فرهنگ‌ها مانند پژوهش‌های تطبیقی و ویدئویی تیمز در خصوص سبک‌های یادگیری ریاضی در سه کشور آلمان، ژاپن و آمریکا به کار گرفته شده به تدریج با گسترش این اندیشه که یادگیری و آموزش فعالیت فرهنگی است محققان پژوهش کیفی به مطالعه فرهنگ آموزش و یادگیری درون هر فرهنگ پرداختند. پژوهش حاضر نیز تلاش دارد با اتخاذ رویکرد مردم نگاری پیش فرض‌ها و باورهای دو نسل اعضاء هیأت علمی را نسبت به مقوله آموزش و یادگیری آشکار کند تا چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر روند آموزش و یادگیری‌شان را مورد تبیین قرار دهد.

<sup>۱</sup> ethnography

- در واقع اهمیت و ضرورت اصلی این پژوهش مواردی است که در بالا عنوان گردید اما از سویی دیگر:
- فهم برنامه درسی آموزش عالی فراتر از سند مکتوب و در واقع درک برنامه درسی پنهان در آموزش عالی.
  - توسعه علوم بین رشته‌ای و غنی‌سازی گفتمان رشته‌ای، بین رشته‌ای و بین‌فرهنگی.
  - از جمله مواد فرعی است که می‌توان در بیان اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر ذکر نمود.

#### ۴-۱ اهداف پژوهش

پژوهش حاضر دارای دو دسته اهداف به صورت کلی و جزئی می‌باشد. بدین صورت که:

##### ۴-۱-۱ هدف کلی پژوهش

مقایسه فرهنگ دانشگاهی «با تأکید بر فرهنگ آموزش و یادگیری» در دو نسل از اعضای هیأت علمی.

##### ۴-۱-۲ اهداف جزئی

- شناسایی فرهنگ اعضای هیأت علمی باسابقه در مورد آموزش و یادگیری.
- شناسایی فرهنگ اعضای هیأت علمی تازه استخدام در مورد آموزش و یادگیری.
- مقایسه فرهنگ اعضای هیأت علمی با سابقه و تازه استخدام در مورد آموزش و یادگیری.

#### ۵-۱ سؤال‌های پژوهش

سؤال‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- فرهنگ اعضای هیأت علمی باسابقه در مورد آموزش و یادگیری چیست؟
- ۲- فرهنگ اعضای هیأت علمی تازه استخدام در مورد آموزش و یادگیری چیست؟
- ۳- فرهنگ دو نسل در مورد آموزش و یادگیری با یکدیگر چه تفاوت‌هایی دارد؟

## ۱-۶ تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

### ۱-۶-۱ فرهنگ

هر چند اتفاق نظر چندانی بر سر واژه فرهنگ وجود ندارد اما، فرهنگ عبارت است از نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسم‌ها و مصنوعات که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. در یک عبارت کوتاه، فرهنگ تقریباً هر صورتی از رفتار را که اکتسابی و غیرغریزی است در بر می‌گیرد (تیلور ۱۸۷۱، نقل در سلیمی، ۱۳۷۹).

### ۱-۶-۲ فرهنگ دانشگاهی

فرهنگ دانشگاهی، سیستمی از باورهای مشترک است که داخل دانشگاه گسترش می‌یابد و رفتار دانشجویان، کارکنان، اعضای هیأت علمی و مدیران را هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، فرهنگ دانشگاهی، استنباط مشترکی است بین همه‌ی اعضای دانشگاه نسبت به سازمان خود. از این رو فرهنگ دانشگاهی را می‌توان یک نظام فکری دانست که در گفتار، رفتار و عملکرد علمی دانشگاهی متجلی می‌شود و بیانگر شیوه و سبک زندگی اعضای دانشگاه است (صباغیان، ۱۳۸۸).

### ۱-۶-۳ مردم نگاری

تعاریف مختلفی دارد، ولی طبق نظر اسپرادل<sup>۱</sup> (۱۹۹۹، نقل در محمدپور، ۱۳۸۹) مردم نگاری عبارت است از توصیف عمیق فرهنگ. در واقع توصیف غنی، اساس مردم نگاری را تشکیل می‌دهد. بدین منظور مجموعه متنوعی از روش‌ها از جمله مصاحبه، مشاهده، بررسی ابزارها و مصنوعات فرهنگی بکار گرفته می‌شود. مردم نگاران به منظور ارائه این توصیفات غنی که به تعبیری متضمن تحلیل نیز هست معمولاً مدت زمان نسبتاً طولانی را به حضور در مکان و محلی که مورد مطالعه قرار می‌دهند سپری می‌کنند و عمدتاً به مشاهده مشارکتی<sup>۲</sup> می‌پردازند. این امر موجب می‌شود که مردم نگار برای مدت طولانی با آن‌ها زندگی کند و زبان آن جمعیت را بیاموزد و چنان تجربه‌ی زیسته‌ای از آن فرهنگ بدست بیاورد که بتواند احساس و ادراک آن جمعیت مورد مطالعه را در وجود خود بازتولید کرده و بشناساند. به تعبیر دیگر یک "ادراک تفهیمی" و "ادراک همدلانه" از آن فرهنگ ارائه دهد.

### ۱-۶-۴ فرهنگ آموزش و یادگیری:

شامل باورها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهایی است که در مورد آموزش و یادگیری وجود دارد و دارای ابعاد متعددی است که برخی از آن‌ها مربوط به هدف آموزش (یادگیری مادام العمر / تقویت نگرش نمره گرایی)

1 Spradley  
2. participant observation



موقعیت آموزش (پژوهش محور / آموزش محور)، محور آموزش (استاد محور/ دانشجو محور) تلقی از علم و آموزش (ستایش گرایانه / توسعه طلبانه، مدرک سالاری / مدرک گرایی، فرایند و امری تعاملی / مقوله‌ای شناختی و نوعی محصول)، روش آموزش (مشارکتی / غیر مشارکتی، یادگیری منفعل، ایستا و اقتدار گرایانه یادگیری فعال، باز اندیشانه، تفکر انتقادی و آموزش خلاقیت/ یادگیری طوطی وار و حفظ کردن)، نقش استاد (روابط اقتدار گرایانه بین استاد و دانشجو / استاد به عنوان تسهیل کننده دانش) شیوه‌ها و اسلوب فکری دانشجویان (عدم اعتماد به نفس در بیان عقاید، ضعف روحیه همکاری، ضعف روحیه پرسشگری، فقدان انگیزه دانشجویان برای تلاش و سخت کوشی در راه علم) می‌باشد.

## فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

## ۲-۱ مقدمه

به منظور افزایش دانش حاصل از پژوهش در زمینه موضوع مورد تحقیق، ابتدا باید بررسی شود که پژوهشگران دیگر به چه مطالبی دست یافته‌اند. زیرا، اگر پژوهش به طور مشخص مبتنی بر کار پژوهشگران دیگر در زمینه‌ی پژوهشی نباشد، احتمال آن که بتواند در پیشبرد دانش در آن زمینه‌ی خاص سهمی داشته باشد، بسیار ضعیف خواهد بود. از سوی دیگر در جریان پژوهش، همواره حالت رفت و برگشتی میان مبانی نظری و تجربه‌های عملی وجود دارد و ساختار از پیش تعیین شده مانع بهره‌گیری از تجربه‌های فرایند عمل در پژوهش نبوده است (خاکباز، ۱۳۸۹). لذا، فصل حاضر به بررسی سابقه‌ی پژوهشی در دو بخش اصلی «مبانی نظری پژوهش» و «پژوهش‌های مرتبط با موضوع» می‌پردازد.

## ۲-۲ دانشگاه و آموزش عالی

در زبان فارسی واژه دانشگاه به معنای محل دانش‌اندوزی و علم‌آموزی و معادل با University در انگلیسی آمده است. بنابراین از لحاظ لغوی دانشگاه محل دانش است نه صرفاً محل درس دادن، که اگر تنها این مفهوم از دانشگاه برداشت شود آن وقت باید گفت: دانشگاه و مدرسه به واقع یکی هستند چون هر دو نهادهایی هستند برای درس دادن (یمینی دوزی، ۱۳۸۸). اما در همین زمینه ویلهلم ون هومبولت (۱۹۵۹) نقل در بوررو کابل، (۱۳۸۷) معتقد است: رابطه بین معلم و دانش‌آموز در مدرسه از یک نوع است و بر طبق آن معلم مسئول یاددهی است و دانش‌آموز مسئول یادگیری. اما دانشگاه، مدرسه (محل درس دادن) نیست بلکه محل دانش، استقرار دانش، نقد و تولید دانش است. در دانشگاه نوع کاملاً متفاوتی از رابطه‌ی بین استاد و دانشجو وجود دارد. مدرس به خاطر دانشجو نیامده بلکه هر دو برای علم و تولید علم جمع شده‌اند. حضور و همکاری دانشجو جزء لاینفک تولید علم است که اگر استاد را یاری نکند، فرآیند کار موفقیت‌آموز نخواهد بود.

لذا دانشگاه، خاستگاه اندیشه و معنا، نماد تولید و انتقال دانش، و کانون نقد و روشنگری اجتماعی است. دانشگاهیان در سطح ملی، نقش مؤثری در توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند و در سطح بین‌المللی نیز، ضمن گسترش مرزهای دانش به صلح جهانی، بهبود و ارتقای شرایط زیست بشری و ظهور امکانات نهفته انسانی کمک می‌کنند (فراستخواه، ۱۳۸۹). بخش آموزش عالی در مقام متولی تدارک سرمایه انسانی، وظایف مهم و رسالت‌های والایی در راه نیل به رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور دارد. تدارک سرمایه انسانی به مفهوم عام آن که تمامی جنبه‌های تربیت نیروی انسانی متخصص ارتقای سطح دانش و فرهنگ، روحیه علمی و نظایر آن ... را در بر می‌گیرد، نشان دهنده ابعاد وسیع فعالیت‌ها و وظایف محوله به این بخش است (قارون، ۱۳۷۵).

محسنی (۱۳۸۳) در همین زمینه معتقد است: آموزش، پژوهش، تربیت نیروی انسانی ماهر و توسعه‌ی جامعه از جمله رسالت‌هایی است که بر عهده نهادهای دانشگاهی قرار داده شده است. بنابراین، دانشگاه فکر تولید می‌کند، اندیشه‌ها را نقد و اصلاح کرده و با تأمین نیروی انسانی کافی و متخصص، توسعه و تکامل جامعه را طراحی می‌کند.

یاسپرس (۱۹۵۹، نقل در حدادی، ۱۳۸۸) نیز وظایف و فعالیت‌های محوری دانشگاه را در سه عنصر آموزش تخصصی، تربیت انسان-های آگاه و متعهد، پژوهش و تحقیق بیان می‌کند. او معتقد است: دانشگاه به صورت هم‌زمان یک مدرسه حرفه‌ای، یک مرکز فرهنگی و یک مؤسسه تحقیقاتی است که نمی‌توانند بین این سه مورد انتخاب کنند چون در ایده دانشگاه آن‌ها به طور پایداری متحد هستند و با جدا کردن هر یک از این سه مورد روح و جان دانشگاه نابود می‌شود.

به دیگر سخن، رسالت و کارکرد دانشگاه بدین شرح است:

- آموزش (انتقال دانش): در این عرصه، دانشگاه محل تربیت دانش آموختگان فرهیخته و نیروی انسانی متخصص است (رویکرد دانشگاه‌های انگلستان).
- پژوهش (تولید دانش): دانشگاه چارچوبی است که خلاقیت و نوآوری را به حداکثر توان خود می‌رساند. تولید دانش پویایی دانشگاه را حفظ نموده و منجر به پاسخ به نیازهای جامعه و حل مشکلات می‌شود (رویکرد دانشگاه‌های آلمانی).
- خدمات اجتماعی (اشاعه دانش): دانشگاه، نتایج یافته‌های علمی خود را در اختیار جامعه قرار داده و از فعالیت‌های علمی در همه سطوح اجتماعی بهره برداری می‌نماید (رویکردهای دانشگاه‌های آمریکائی) (عباسی مقدم، ۱۳۸۳).

همانطور که ملاحظه گردید اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه آموزش هر یک وظایف، رسالت‌ها و اهدافی را برای دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی در نظر دارند، اما می‌توان تبیین کامل‌تر و جامع‌تر اهداف و رسالت‌های آموزش عالی را در آنچه شریعت‌مداری (۱۳۷۹) تحت عنوان هدف‌های آموزش عالی بیان کرده است به شرح ذیل مشاهده نمود.

- ۱- **حفظ سنت‌های علمی یا آکادمیک:** سنت علمی یعنی آنچه در مؤسسات عالی علمی از زمان قدیم تا کنون مورد توجه دانشمندان و دانش پژوهان بوده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
  - الف- آزاد ساختن فکر از نفوذ هر نوع عامل محدود کننده مانند: عادات، تعصبات، شرایط اجتماعی، تجربیات قبلی، افکار و عقاید عمومی، و قطعی تلقی کردن آنچه دانشمندان گفته‌اند یا به عنوان اصل تلقی کرده‌اند.
  - ب- ایجاد روح علمی در دانشجویان (منظور از روح علمی، ایجاد و رشد خصوصیات است که در عادات تمایلات، افکار، نحوه قضاوت و طرز برخورد افراد در مقابل مشکلات ظاهر می‌گردند).
  - ج- با ارزش تلقی کردن علم به خاطر خود علم، نه به منظور نیل به هدف‌های انتفاعی.

۲- **تربیت متخصصان:** بدون تردید یکی از هدف‌های اساسی آموزش عالی تربیت متخصصان است. زمینه‌های تخصصی و حرفه‌ای جزء عناصر اساسی فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شوند. وجود متخصصان در رشته‌های مختلف مثل پزشکی، قضاوت، مهندسی، امور اداری و امور تربیتی یکی از نیازمندی‌های ضروری هر جامعه است و این امر مورد توجه اولیای دانشگاه بوده و هست. اما در همین زمینه چند نکته اساسی را باید در نظر گرفت. اول این که تربیت متخصص تنها هدف آموزش عالی نیست. دوم این که بر خلاف تصور بعضی از مریبان، تربیت متخصص با رعایت سنت‌های علمی یا آکادمیک منافات ندارد. این امر که طبیب، قاضی، معلم، مدیر و مهندس باید آزاد فکر باشند و تحت تاثیر عادات، تعصبات، افکار، و عقاید عمومی که فاقد اساس علمی هستند قرار نگیرند، و همچنین خصوصیات مانده احترام به مدارک علمی، سعه